



گلوله ،

پاسخ جمهوری اسلامی به کارگران "شهر بابک"!

موازات این جلادی رذیلانه ، رئیس جمهور فریبکار و ضدخلقی جمهوری اسلامی یعنی خاتمی نیز با آگاهی از خشم و نفرت توده ها برای انحراف افکار عمومی ، هیاتی را مسئول "بررسی" حادثه و کشتاری کرد که اجازه آن در واقع توسط خود او و مقامات کارگزار دولت به اصطلاح اصلاح طلب ایشان صادر شده بود. این هیأت از جنس همان هیأت های فرمایشی و مزدورصفی است که در این سالها هر بار از سوی رئیس جمهور فریبکار برای به اصطلاح بررسی - و در واقع برای خرید وقت و لاپوشانی هویت واقعی مسببین تشکیل شده و به همان زودی به تاریخ سپرده شده اند. در این مورد از جمله می توان به هیأت های بررسی قتل عام "کوی دانشگاه" ، پرونده "قتلهای زنجیره ای" و یا کشتن زهرا کاظمی و غیره را یاد آوری نمود.

(ادامه مطلب در صفحه ۲)

کردند و ضمن مقاومت در برابر نیروهای سرکوبگر، مراکز دولتی ، فرمانداری و بانک ها و بنیادهای غارتگردولتی را آماج حملات خویش قرار دادند. در نتیجه این درگیری ها حداقل خون ۱۵ تن از کارگران و مردم بیگناه شهر بابک توسط دژخیمان تا بن دندان مسلح رژیم بر زمین ریخت و صدها تن از تظاهرکنندگان مجروح و دستگیر شدند. مقامات مزدور حکومت برای تکمیل یورش سرکوبگرانه خویش ، در روزهای بعد از تظاهرات نیز ضمن حضور گسترده در سطح شهر به آزار و اذیت و دستگیر کردن و ارباب مردم منطقه و به ویژه جوانان پرداخته و کوشیدند تا از آنها زهر چشم بگیرند. به

تظاهرات و برخوردهای کارگران و مردم به جان آمده از یک سو با نیروهای مزدور جمهوری اسلامی از سوی دیگر تبدیل شد. نیروهایی که مقامات دولت "اصلاح طلب" خاتمی فوج فوج آنها را از شهرهای مختلف برای سرکوب معترضین روانه کرده بودند. خواست کارگران معترض شهر بابک در ابتدا تنها یک خواست صنفی بود. آنها فقط کار می خواستند. ولی این خواست عادلانه توسط کارفرمایان زالوصفت و دولت حامی آنها صرفا با گلوله پاسخ گرفت. مردم به جان آمده و دلاور شهر بابک نیز با مشاهده این قساوت پیشگی در حق کارگران به خیابانها ریختند، حمایتشان را از آنها اعلام

شعله های خشم و نفرتی که در روزهای اخیر برعلیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و سرمایه داران زالوصفت وابسته در شهر بابک کرمان سر بر کشید، یکبار دیگر پرده از شرایط مادی بسیار وحشتناک و غیرقابل تحملی برداشت که نظام سرمایه داری وابسته بر حیات و معاش طبقه کارگر و توده های محروم ما تحمیل کرده است. خونریزی در شهر بابک از آنجا آغاز شد که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در مواجهه با خواست های صلح جویانه، طبیعی و عادلانه چند هزار تن از کارگرانی که در اعتراض به ازکاربیکار شدن و خطر گرسنگی خویش و خانواده هایشان تجمع کرده و به تحصن دست زده بودند، همچون همیشه شمشیر از نیام بیرون آورد و کارگران معترض را به گلوله بست. در نتیجه این اقدام جنایتکارانه، در مرحله اول یکی از کارگران کشته و تعدادی مجروح شدند و در نتیجه شهر بابک به صحنه

پناهجویان ایرانی در کابل لب های خود را دوخته اند!

دوخته اند. مقامات دفتر سازمان ملل در کابل اخیرا به جای رسیدگی سریع تر به پرونده پناهجویان و روشن نمودن تکلیف آنان ، بر شدت فشارهای مالی و روحی و بدرقتاری های خود افزوده و مراکز اقامت پناهجویان در کابل را تعطیل کرده اند. امری که مشکلات عدیده ای را متوجه زندگی پناهجویان در این شهر کرده است. معاون دفتر سازمان ملل در کابل صراحتا اعتراف کرده است که مقامات سازمان ملل بسیاری از محل های اقامت پناهجویان در کابل

ده ها تن از پناهجویان که از یک سال پیش به امید انتقال و پناهنده شدن در یک کشور امن ، به کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در کابل رجوع کرده اند به علت بی اعتنائی مقامات این سازمان و عدم رسیدگی به پرونده هایشان دست به اعتصاب غذا زده اند. در میان این عده چند پناهجوی ایرانی نیز وجود دارند که دو تن از آنها در اعتراض به برخوردهای غیرانسانی مقامات سازمان ملل لب های خود را

سازمان ملل در افغانستان به این پناهجویان که تنها صد دلار در ماه است آنها به هیچ وجه نمی توانند از عهده تأمین مسکن و سایر نیازهای ابتدایی زندگی برآیند. ■

را بسته اند و با بی مسئولیتی تمام تأکید کرده که پناهجویان خودشان "باید مشکل اقامت در کابل" را حل کنند. شرایط زیستی پناهجویان در کابل بسیار وخیم است و با کمک های ناچیز

تأمین کنندگان تجهیزات اتمی برای جمهوری اسلامی چه کسانی هستند؟

در چارچوب مسائل مربوط به جنجال "تولید" سلاحهای هسته ای توسط جمهوری اسلامی ، اخیرا فاش گردید که بیش از ۳۰ دولت جهان و از جمله آمریکا و اسرائیل در طول سالها به صورت علنی و یا محرمانه مواد و تکنولوژی لازم برای ساخت سلاحهای هسته ای را در اختیار رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی قرار داده اند.

(ادامه مطلب در صفحه ۳)



در این شکی نیست که رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی و دولت خاتمی فریبکار با کشتار و سرکوب کارگران و مردم محروم شهر بابک قبل از هر چیز اساساً ماهیت ضد مردمی خود را به شکلی گسترده به نمایش گذارده و برگ دیگری بر برگ های سیاه حاکمیت نظام جمهوری اسلامی افزودند. اما آیا با سرکوب و کشتار کارگران و مردم معترض شهر بابک ، شرین "غانله" یعنی اعتراض و طغیان توده های به جان آمده از سر دیکتاتوری حاکم کم شده است؟ آیا خاتمی و سایر سردمداران تبهکار جمهوری اسلامی با سرکوب و وحشیانه اعتراضات کارگری در شهر بابک معضل کارگران محروم این شهر و میلیون ها تن دیگر از کارگران و توده های به جان آمده را "حل" کرده است؟ پاسخ قطعاً منفی است. شعله های خشم و نفرتی که در غالب طغیان های قهرآمیز کارگری و شورش های توده ای به ویژه در سالهای اخیر گریبان طبقه حاکم و دولت خاتمی فریبکار را به گونه ای فزاینده گرفته، ریشه در شرایط مادی و وحشتناکی نظیر فقر ، بیکاری ، گرسنگی و محرومیت دارد که جمهوری اسلامی به عنوان حافظ مناسبات گنبدیده نظام سرمایه داری وابسته ، سایه سیاه آن را بر زندگی میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشان ما حاکم گردانیده و با قوه قهر عریان و گسترده بساط دار و شکنجه در هر کوی و برزن مشغول صیانت از آن است.

کارگران شهر بابک در شرایطی شورش می کنند که تحت نظام سرمایه داری وابسته و دیکتاتوری ذاتی آن ، استثمار ، گرسنگی ، فقر ، بیکاری ، تورم و ... نفس آنها و خانواده های آنها را بند

آورده است. آنها در شرایطی طغیان می کنند که سرمایه داران زالوصفت وابسته با حمایت های بی چون و چرای دولت کارگزار خویش یعنی خاتمی ، پیکر طبقه کارگر ایران را زیر استثمار وحشتناک له کرده و از بابت مکیدن شیره جان و خون آنها جیب های خود را پر می کنند و هر جا هم که منافعیان ایجاب کند با استفاده از "قانون" و تسهیلات دولتی دسته دسته آنها را بیکار و به خیل عظیم ارتش بیکاران و گرسنگان در جمهوری اسلامی اضافه می کنند. کارگران در شرایطی به خیابان ها می ریزند و به هر آنچه که کوچکترین نشانی از نظام فاسد و نهادهای استثمارگر دولتی دارد ، حمله می کنند که ماههاست حقوق نگرفته اند ، بیکارند ، گرسنه اند و شرم مواجهه با چهره های تکیده و گرسنه فرزندان و خانواده هایشان روح و جسم آنها را ذره ذره می خورد و هیولای فحشا ، فساد ، اعتیاد و ... هر روز قربانیان بیشتری را از طبقه آنها می گیرد. در این حال دولت و نظام حاکم هم به جای رسیدگی به این اوضاع وحشتناک، سینه های پر درد آنها را آماج گلوله می کند. بله! در شرایطی که بیش از نیمی از آحاد جامعه به خاطر کاخ هایی که از ثروت افسانه ای مشتق سرمایه دار زالوصفت و از شیره جان آنها برپا شده ، در زیر "خط فقر" و "خط بقاء" زندگی می کنند ، در شرایطی که میلیونها تن از کارگران و اقشار تحتانی این جامعه بیکار و گرسنه اند و در شرایطی که دولت مزدور خاتمی با به اصطلاح مجلس اصلاح طلب اش در همین چند سال اخیر وحشیانه ترین قوانین ضدکارگری نظیر خارج کردن صدها هزار کارگر از شمول قانون کار ، تحمیل قراردادهای موقت ، قطع

بیمه های اجتماعی و بیکارسازی های گسترده بر علیه کارگران را تصویب کرده و حیات و معاش میلیون ها تن از کارگران و رنجبران ما را هرچه بیشتر در منگنه قرار داده ، اعتراض و انفجار خشم بر علیه این اوضاع جهنمی و طغیان و شورش برای از بن برکندن ریشه ها و مسببین این نظم ناعادلانه و دیکتاتوری حافظ آن به واکنش طبیعی و لاجرم ارتش بیکاران و گرسنگان و محرومان تبدیل می گردد.

شورش کارگران دلاور شهر بابک تنها و تنها یکی از جرقه هایی است که هر روز از گوشه ای از جامعه تحت سلطه ما بر انبار باروتی می خورد که سلطه نظام امپریالیستی و جنایات جمهوری اسلامی برای پاسداری از این سلطه در سراسر جامعه ما گسترانده اند. شورش قهرمانه کارگران محروم در شهر بابک نه پایان کار بلکه نشانگر تشدید یک مبارزه طولانی و سرکوب ناشدنی برای سرنوختن جمهوری اسلامی و نابودی بنیان ها و شرایط غیرانسانی و ظالمانه ای می باشد که محصول اجتناب ناپذیر سلطه نظام ستمگرانه سرمایه داری وابسته در میهن ماست.

خاتمی در ادامه تهاجمات سیستماتیک خود به حیات و هستی کارگران محروم ایران، در آخرین روزهای حیات مجلس به اصطلاح "اصلاح طلب" خویش قانون ضدکارگری دیگری را از تصویب گذراند. مطابق ماده ۹۴ مصوبه ارتجاعی اخیر، سازمان تأمین اجتماعی که ظاهراً مرجع رسیدگی به شکایات کارگران در مورد حق بیمه و مسئول وصول بیمه های کارگری است، از این پس "حق ورود" به کارگاه ها برای "بازرسی و وصول مطالبات" این سازمان را ندارد. امری که به وضوح تأمین کننده منافع سرمایه داران چپاولگری است که در امر غارت کارگران و پایمال کردن جزئی ترین حقوق آنان، خواهان

آزادی مطلق و رفع تمامی مزاحمتها و موانع "قانونی" می باشند. در ادامه این مصوبه آمده که تنها در صورت "شکایات" کارگران بر علیه کارفرمایان آنهم به صورت انفرادی ست که این سازمان موظف به رسیدگی به موضوع و احقاق حقوق شاکی می باشد. واضح است که ذکر این استثناء برای مداخله سازمان مزبور مثلاً در وصول بیمه های کارگری در عمل به هیچ درد کارگران نمی خورد. چرا که مسئولین و مقامات این نظام ضدخلقی به خوبی می دانند که در شرایط گسترش هولناک هیولای بیکاری در میان طبقه کارگر و وجود صفوف عظیم ارتش ذخیره کار و در نتیجه گسترش احساس ناامنی دائمی در میان کارگران شاغل، بسیاری از کارگران ستمدیده در صورت بروز اختلاف، برای حفظ موقعیت لرزان شغلی خویش اصولاً حتی فکر شکایت از کارفرمایان الوصفت و تحت الحمایه دولت را به خود راه نمی دهند. چرا که در این صورت خطر اخراج و در نتیجه بیکاری و گرسنگی خود و خانواده هایشان تنها چشم انداز موجود در مقابل آنان خواهد بود.



"گریگوری روسال"

سخنگوی "ارتش نوین خلق" فیلیپین

عملیات تهاجمی

"ارتش خلق فیلیپین"

در جریان یک عملیات تهاجمی که از سوی "ارتش نوین خلق" در فیلیپین در روز شنبه ۱۰ ژانویه ی سال جاری به یک مرکز برق رسانی در جنوب مانیل ، پایتخت فیلیپین ، صورت گرفت ، تلفات و صدماتی به نیروهای ارتش دولتی فیلیپین وارد گردید. در طی این عملیات که با شرکت ۱۵ نفر از اعضای "ارتش نوین خلق" صورت گرفته بود ، سه سرباز ارتش فیلیپین و سه نفر از اعضای "ارتش نوین خلق" کشته شدند و همچنین ۷ سرباز ارتش دولتی نیز زخمی شدند. مبارزین "ارتش نوین خلق" در فیلیپین سالهاست که بر علیه دولت ضدخلقی فیلیپین و سلطه دیکتاتوری امپریالیستی بر این کشور می جنگند.



تأمین کنندگان تجهیزات اتمی برای جمهوری اسلامی چه کسانی هستند؟

بقیه از صفحه ۱



"خطر" استفاده از این سلاح ها بر علیه "صلح" و امنیت "جهانی" فغان سر دادند.

و تجهیزات و تکنولوژی و سلاح اتمی بدون توافق و اطلاع صاحبان انحصاری این بازار در اختیار هیچ قدرتی و یا دولتی از جمله دولت های ضدخلقی عراق، جمهوری اسلامی و سایرین قرار نمی گیرد. گزارش اخیر مرکز مطالعات کالیفرنیا درباره هویت تأمین کنندگان تکنولوژی و تجهیزات هسته ای جمهوری اسلامی که از جمله آنها باید به آمریکا و اسرائیل اشاره نمود، شاهد دیگری برای اثبات این مدعاست. ■

حقیقت این است که در جهان کنونی، تولیدکنندگان و توزیع کنندگان اصلی سلاح ها و تجهیزات مخرب اتمی که همواره از آن به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بشری استفاده شده کسانی به غیر از امپریالیست ها و اعوان و انصار ضدخلقی شان نیستند. در همین چارچوب کنترل بازار تجهیزات سلاح های اتمی در سطح بین المللی که هر ساله میلیاردها دلار سود در بر دارد نیز به گونه ای انحصاری در اختیار امپریالیست ها قرار دارد



چارجوب منافع قدرت های امپریالیستی در سال های اخیر به یک قدرت هسته ای تبدیل شده است. گزارش یاد شده درباره منابع تأمین مواد و تکنولوژی هسته ای جمهوری اسلامی در شرایطی منتشر می شود که همگان به خوبی می دانند که در جریان لشکرکشی آمریکا و اشغال نظامی عراق که از جمله به بهانه پوچ "خطر" وجود "سلاحهای اتمی" در دست رژیم صدام صورت گرفت، این طور افشاء شد که امپریالیسم آمریکا و سایر همپالگی هایش، در طول سال ها با غارت منابع و ثروت های عراق امر دستیابی به سلاح های کشتار جمعی و پیشرفت در برنامه های اتمی را برای این رژیم مزدور میسر کرده اند و در همان حال هنگامی که مصالح شان بر "تغییر رژیم" و اشغال عراق قرار گرفت ریاکارانه درباره مطابق تحقیقاتی که اخیرا توسط "مرکز مطالعات کالیفرنیا" - که درباره منع گسترش سلاح های هسته ای و توانایی های هسته ای جمهوری اسلامی تحقیق می کند- صورت گرفته، مقامات رژیم در سال های اخیر موفق به دستیابی به ابزار و آلات و مواد هسته ای شده اند و از این فراتر، اورانیوم و پلوتونیم غنی شده که مواد اساسی در ساخت سلاحهای اتمی است را از طریق آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای دیگر دریافت کرده اند. در ادامه گزارش این مرکز مطالعاتی آمده است که کشورهای مختلفی نظیر روسیه، چین، کره شمالی و فرانسه، ایتالیا، پاکستان و بالاخره آمریکا و حتی اسرائیل به شکل مستقیم و غیرمستقیم جمهوری اسلامی را در دستیابی به مواد و تکنولوژی سلاحهای اتمی یاری داده اند. لازم به ذکر است که هم آمریکا و هم اسرائیل در ظاهر شدیدترین مخالف دستیابی ایران به تسلیحات اتمی می باشند. مطابق همین گزارش، جمهوری اسلامی در رابطه با خرید تجهیزات و تکنولوژی هسته ای میلیاردها دلار به رژیم پاکستان پرداخته که خود در



مصونیت قانونی سربازان جنایتکار آمریکا در عراق



شد. مقامات مزدور عراقی اعلام کرده اند که در رابطه با عقد این توافقنامه که قرار است تا قبل از تحویل "قدرت" به "حکومت جدید" عراق در جون ۲۰۰۴ صورت گیرد هنوز منتظر ارائه "پیش نویس" تهیه شده از سوی آمریکا هستند. در همین رابطه ریچارد بوچر سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا نیز صراحتا اعلام کرده است که "برای توافق در مورد وضعیت آینده نظامیان آمریکایی در عراق گفتگو خواهد شد، تا نظامیان آمریکایی از حمایت و مصونیت کامل برخوردار شوند."

همزمان با بالا گرفتن موج اعتراضات مردمی برعلیه جنایات روزمره نیروهای اشغالگر آمریکایی برعلیه توده های بیگناه عراقی ، مقامات آمریکایی اعلام کردند که در صدد عقد "توافق نامه ای" با نهاد دست ساز موسوم به "شورای حکومت انتقالی عراق" هستند که مطابق آن هیچ حکومتی در عراق حق محاکمه و بازخواست از نیروهای آمریکایی به خاطر اعمال جنایتکارانه شان را نخواهد داشت. مطابق این اقدام ضدخلقی و ننگین که یادآور قانون امپریالیستی و ارتجاعی "کاپیتولاسیون" در زمان

آمریکایی در این کشور گردیده اند که از زمره آنها می توان به موارد مکرر آتش باری بی هدف به سوی مردم ، دستگیری های وحشیانه همراه با ضرب و شتم ، تجاوز ، قتل ، شکنجه و انواع و اقسام رفتارهای ضدخلقی دیگر اشاره کرد. ■

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید :

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید :

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 208 - 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com



شاه جلااد در ایران است ، حکومت عراق توافق خواهد کرد که به ده ها هزار سرباز ارتش جنایتکار آمریکا در عراق که برای حضور طولانی مدت به این کشور اعزام شده اند ، "مصونیت کامل" قانونی بدهد. معنی چنین توافق ننگین استعماری آن است که سربازان

یادآوری می شود که از زمان اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی تا کنون هزاران نفر از مردم بیگناه عراق قربانی جنایات روزمره سربازان

جنایتکار آمریکا به رغم ارتکاب به هر گونه جرم و جنایتی برعلیه مردم بیگناه عراق ، مطابق "قانون" این کشور دستگیر و مجازات نخواهند



۲۱ پناهجوی آلبانیایی در دریای آدریاتیک غرق گردیدند

در دریای آدریاتیک غرق شد و طی آن ۲۱ نفر از پناهندگان در دریا غرق شده و ۱۱ پناهنده ی دیگر توسط کشتی های ارتش ایتالیا از آب گرفته شده و به بیمارستان منتقل گردیدند. ■

روز یکشنبه ۱۱ ژانویه ی سال جاری ، ده ها تن از پناهجویان آلبانیایی که برای فرار از شرایط جهانی اقتصادی - سیاسی از این کشور فرار کرده و به امید یافتن یک محیط امن به دریا زده بودند قربانی شدند و جان خود را از دست دادند. در این تاریخ ، یک قایق بادی حامل تعدادی از پناهندگان آلبانیایی

